

اخبار

توضیحات وزیر ارشاد درباره

بر کناری نادره رضایی



سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره برکناری نادره رضایی، معاون هنری این وزارتخانه توضیحاتی ارائه کرد.

سیدعباس صالحی در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری خبرنگانین درباره برکناری نادره رضایی گفت: «طبیعتاً ما و هر وزیری در حوزه معاونت‌ها ارتباطاتی داشته و داریم و ممکن است به‌حسب موقعیت‌هایی فاصله‌هایی پدیدبیاید.»

او تأکید کرد: «ایشان نیرویی پرتلاش، پرکار و اثرگذار بودند که می‌تواند در جایگاه‌های دیگر مورد استفاده قرار بگیرند و قطعاً چنین نگاهی وجود دارد.» وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این‌که آیا فشار مجلس موجب برکناری نادره رضایی شده است، این موضوع را تکذیب کرد. نادره رضایی معاونت هنری پیشین در ۱۷ شهریور سال جاری برکنار شد و محمدمهدی احمدی به عنوان سرپرست معاونت امور هنری جای او نشست.

اصغر فرهادی فیلمش را در پاریس کلید زد



اصغر فرهادی فیلم‌برداری دهمین فیلم خود با نام «داستان‌های موازی» را به تازگی در پاریس آغاز کرده است. به گزارش ایسنا و طبق خبر رسیده، «داستان‌های موازی» (Parallel Tales) روز ۸ سپتامبر (۱۷ شهریورماه) در پاریس کلید خورده است. فیلم‌برداری این فیلم سه ماه ادامه خواهد داشت و ایزابل هوپر، ونسان کسل، ویرجینی افیرا، پیر نینه، آدام بئسا و کاترین دونو، از چهره‌های سینمای فرانسه، بازیگران اصلی «داستان های موازی» هستند. تاکنون ایزابل هوپر، آدام بئسا و کاترین دونو مقابل دوربین فرهادی رفته‌اند.

همچنین هایدی صفی‌پاری تدوین «داستان‌های موازی» را در عهده دارد. کمپانی فرانسوی ممنتو (Production et Memento) و کمپانی آمریکایی آنایموس کانتنت (Anonymous Content) به همراه اصغر فرهادی تهیه‌کنندگان «داستان‌های موازی» هستند.

جدیدترین ساخته فرهادی محصول مشترک فرانسه، آمریکا، ایتالیا و بلژیک است.

اعلام سینماهای میزبان جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان

سینماهای میزبان سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان معرفی و جزئیات برنامه‌های هر یک از آن‌ها نیز اعلام شد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابطعمومی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، مجموعه‌های «سیتی‌ستتر»، «ساحل»، «رویاشهر» و «چهارباغ» به‌عنوان سینماهای میزبان سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در شهر اصفهان معرفی شدند. در روزهای برگزاری این جشنواره، پردیس‌های سینمایی «سیتی‌ستتر» و «رویاشهر» به اکران فیلم‌های بلند بخش ملی می‌پردازند. پردیس سینمایی «ساحل» و «چهارباغ» نیز به عنوان خانه جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، میزبان داوران کودک و نوجوان خواهند بود. همچنین طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، نشست‌های رسانه‌ای فیلم‌های بخش مسابقه فیلم‌های بلند بخش ملی در سینماهای ساحل و چهارباغ برگزار می‌شود. سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در ۳ بخش ملی (فیلم‌های بلند، کوتاه و پویانمایی)، بخش بین‌الملل و بخش ویژه از ۱۲ تا ۱۶ مهر سال جاری با دبیری حامد جعفری در شهر اصفهان برگزار می‌شود.

«علت مرگ: نامعلوم»؛ نماینده‌ی سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۶

اسکار ۲۰۲۶، برای رسیدن به جایی که اکنون هست از هفت‌خان رستم عبور کرده‌است؛ از کنار گذاشته‌شدن از چهلمین جشنواره فیلم فجر تا سه سال توقیف. با این حساب، برای علی زرنگار، فیلمنامه‌نویس و کارگردان این اثر و مجیدبرزگر، تهیه‌کننده‌ی آن نباید ادعای کذبی که این روزها می‌شوند چندان قابل توجه باشد؛ ادعای کذب یک فیلمساز درخصوص برداشت علی زرنگار از فیلم کوتاه او؛ «صبح غمگین».

علی زرنگار و مجیدبرزگر اگرچه درخصوص این ادعای کذب اظهارنظری نکردند اما به شهادت چندین نفر از سینماگران ازجمله علی جلیلووند، حسین مهکام و احد صادقی، در گفت‌وگو با خبرنگاران، ماجرا نه آن است که سازنده‌ی «صبح غمگین» می‌گوید و نه حتی نزدیک به ادعای او.

برداشت اول: فیلمنامه‌ای که علی زرنگار برای احد صادقی نوشت

۱۱ سال پیش، ۱۳۹۳، هنگامی که علی زرنگار همراه با وحید جلیلووند در حال نگارش «بدون تاریخ، بدون امضاء» برای کارگردانی توسط‌وحید‌بودند، علی ایدهی اولویه «علت مرگ: نامعلوم» را با برادران جلیلووند در میان گذاشت و نگارش آن را برای کارگردانی توسط احد صادقی آغاز کرد. فیلمنامه‌ای که قرار بود علی جلیلووند تهیه‌کننده‌اش باشد اما به علت عدم توافق با بنیاد سینمایی فارابی بر سر برآورد هزینه، میسر نشد. چهار سال بعد، زرنگار تصمیم گرفت «علت مرگ: نامعلوم» را خودش بسازد و علی جلیلووند به واسطه احساس دینی که به احد صادقی می‌کرد، علی‌رغم میل باطنی‌اش، تهیه‌کنندگی آن را نپذیرفت. در نهایت علی زرنگار با مجیدبرزگر به توافق رسید و علی جلیلووند پروانه‌ی ساختی را که به نامش بود به نام مجیدبرزگر منتقل کرد و قس علی هذا....

این روایت، علی جلیلووند است:

او در گفت‌وگو با خبرنگارانین درخصوص چرایی کذب‌بودن ادعای سازنده‌ی فیلم کوتاه «صبح غمگین» می‌گوید: «ابتدا باید بگویم که علی زرنگار از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ در دفتر ما مستقر بود و به خاطر همین همه‌مان در جریان آن‌چه بودیم که هر کدام انجام می‌دادیم، خاطرم هست بعد از «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» (۱۳۹۳)، علی به من گفت احد صادقی برای ساخت فیلم اولش از او فیلمنامه‌ای خواسته است. توجه داشته باشید که ایدهی اولویه «علت مرگ: نامعلوم» را علی همان زمان جهت نوشتن فیلمنامه‌ی برای احد با من در میان گذاشت و شروع به نوشتن فیلمنامه کرد. پس من در تمام طول مدتی که علی در حال نگارش فیلمنامه بود، در عین این‌که دخالتی نداشتم، در جریان بودم و بسیار هم دوستش داشتم.»

این تهیه‌کننده‌ی سینما ادامه می‌دهد: «سال ۱۳۹۶، یکی از دوستان نزدیک و مشترک من، احد صادقی و علی زرنگار، از من پرسید که آیا مایل به تهیه‌کنندگی فیلمنامه‌ی علی به کارگردانی احد هستم یا نه؟ من در آن زمان با این‌که باید به خارج از ایران می‌رفتم و کمی گرفتار بودم، این پیشنهاد را پذیرفتم. مرداد ۱۳۹۷ بود و من در حال سفر به تورنتو، آن زمان حبیب ایل‌بیگی در بنیاد سینمایی فارابی قائم‌مقام علیرضا تابش بود. فیلمنامه‌ی علی زرنگار در فارابی مورد لطف قرار گرفته بود و نظر به محبتی که به من داشتند، وقتی شنیدند قرار است تهیه‌کننده کار باشم لطفاًشان بیشتر هم شد. علیرضا تابش از من خواست برآورد هزینه را با یکدیگر چک کنیم که تا رفتن و برگشتنم از سفر، مقدمات کار آماده و پیش‌تولید آغاز شود. خاطرم هست دقیقاً ۲۴ روز به سفر من مانده بود که حبیب ایل‌بیگی تماس گرفت و متوجه شدم رقم برآورد من

فیلمنامه نماینده ایران در اسکار، اقتباس غیر قانونی است؟

بررسی اتهام سنگین به «علت مرگ: نامعلوم»

طبق بررسی‌های انجام‌شده، ادعای سازنده‌ی «صبح غمگین» درخصوص برداشت علی زرنگار برای ساخت «علت مرگ: نامعلوم» از فیلم کوتاه او، کذب است و ازجمله نشانه‌های واضح آن این که زرنگار ایدهی اولویه نماینده‌ی این روزهای سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۶ را سال ۱۳۹۳ با علی و وحید جلیلووند و حسین مهکام در میان گذاشت و شروع به نوشتن آن برای ساخت توسط احد صادقی کرد.



ایده‌ی اولویه «علت مرگ: نامعلوم» را با من در میان گذاشت. ایده‌ای که او سال ۱۳۸۵ آن را در قالب داستان کوتاه نوشته بود و قصد تبدیلش را به رمان داشت. با این حساب نیت او برای تبدیل ایده‌ای که قرار بود رمان شود به فیلمنامه، به ۱۱ سال پیش برمی‌گردد.»

برداشت دوم: میسر نشدن همکاری با فارابی: زرنگار به جای صادقی/برزگر به جای جلیلووند

احتمالاً هر سینماگر دیگری به جای احد صادقی بود و کارگردانی فیلمنامه‌ای برایش میسر نشده بود که این روزها نماینده‌ی سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۶ است دست‌کم اشاره‌ای کوتاه به حسرتش در این خصوص می‌کرد. احد صادقی اما در تمام طول مدت گفت‌وگو با خبرنگارانین تأکید می‌کند که «از ساخت «علت مرگ: نامعلوم» توسط علی زرنگار و مجیدبرزگر؛ دوستان زانئین و رفقای خوب، بسیار خوشنودم.» او ادامه می‌دهد: «بسیار خوشنودم که آن‌ها فیلمی شریف با استاندارد بالا ساخته‌اند که همه به احترامش قیام می‌کنند و کف می‌زنند. امیدوارم این نیز این است که برای این فیلم در همه موقعیت‌های سینمایی ازجمله اسکار ۲۰۲۶ بهترین‌ها رخ دهد.»

روایت ماجرا از زبان احد صادقی این‌طور است: «ابتدا باید تأکید کنم قصه‌ی یک خطی «علت مرگ: نامعلوم» پس از ساخت «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» (۱۳۹۳) توسط وحید جلیلووند، از سوی علی زرنگار با وحید و علی جلیلووند در میان گذاشته شده بود. قصه‌ای که وقتی در جریانش قرار گرفتیم احساس کردم بسیار دوستش دارم و به روحیاتم نزدیک است. ضمن این‌که کامل شدن قصه، به سال ۱۳۹۴ و تبدیل شدنش به فیلمنامه، به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد. در همین سال بود که قرار شد با حضور وحید جلیلووند به عنوان مشاور کارگردان و علی جلیلووند به عنوان تهیه‌کننده، کارگردانی «علت مرگ: نامعلوم» را

وقتی امین تارخ برای حمایت از جوانان آستین بالا می‌زد

تأسیس آموزشگاه بازیگری می‌افتاد، او کارگاه آزاد بازیگری را راه‌اندازی کرد که در دهه ۷۰ چیزی از انقلاب هنری کم نداشت. در موسسه آموزشی او بسیاری از استادان بازیگری، آموزش هنرجویان را بر عهده گرفتند و نتیجه این آموزش‌ها، حضور بسیاری استعدادهای تازه بود که به بدنه سینمای آن زمان پیوستند. اما تارخ تنها به این بسنده نکرد. او علاقه‌مند بود تا با تأسیس مکانی برای فعالیت جوانان مستعد و علاقه‌مند، زمینه اشتغال آنان را هموار کند. مکانی که به گفته خودش بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ جوان مستعد بتوانند به کار تئاتر بپردازند. او خود در گفتگویی که ال ۸ و همزمان با هفته دولت با ایسنا انجام داده بود، ضمن تأکید بر ضرورت حمایت دولت از تئاتر گفته بود: «من شاعد عینی سال‌هایی هستم که حتی قبل از انقلاب ساخته شده‌اند، اما مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. چون سیستم درست استفاده از سالن وجود ندارد و تعداد زیادی هنرجو به هز می‌روند. ما تعداد زیادی فارغ‌التحصیل دوره دیده بازیگری داریم که بیکارند. راه چاره اشتغال‌زایی، مبتنی بر حمایت‌های مادی و معنوی دولت است.

من بسیاری آدم‌ها را می‌شناسم که حاضرند سالن تئاتر بسازند، ولی وحشت دارند از این‌ که امنیتی که در حال حاضر در تئاتر وجود دارد، هم‌ذات‌پنداری کند. در همان سال‌های برهیا‌هو کارگردانیی چون ابراهیم حاتمی‌کیا و رسول ملاقلی‌پور وارد عرصه شدند و آثار ماندگار و تأثیرگذاری خلق کردند. تولید فیلم‌های دفاع مقدس پس از پایان جنگ نیز ادامه یافت. البته مسیر آن تغییر کرد و بیشتر بر زندگی بازماندگان جنگ و روایت‌های پس از آن متمرکز شد؛ آثاری چون «آژانس شیشه‌ای»، «از کرخه تا راین» و «بوی پیراهن یوسف» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا از جمله نمونه‌های شاخص این رویکرد بودند. اما با گذشت یک دهه، این جریان کمرنگ شد. سیاست‌گذاران سینمایی معتقد بودند جامعه به فضایی شادتر و متفاوت نیاز دارد بنابراین سینما به سمت موضوعات اجتماعی و کم‌دزد رفت. همین تغییر مسیر یکی از بزرگ‌ترین خلاهای سینمای ایران را رقم زد.

در حالی که بسیاری از کشورها توانسته‌اند تجربه‌های جنگی خود را از طریق سینما برای نسل‌های مختلف روایت کنند، سینمای ایران در این زمینه عقب ماند. به‌عنوان مثال، هالیوود همچنان فیلم‌هایی درباره جنگ جهانی دوم یا جنگ ویتنام تولید می‌کند و از این رهگذر توانسته است آمریکا را به‌عنوان قهرمان آزادی‌خواه معرفی کند. حتی نمایش صدق‌قهرمان در آثاری مرتبط با هیروشیما نیز نتوانسته بار منفی سنگینی در ذهن مخاطب ایجاد کند. یکی از نقدهای جدی به سینمای دفاع مقدس در ایران، کمبود آثارشان رنگ و بوی واقعی‌تری پیدا کند و مخاطب بتواند با قهرمانان فیلم هم‌ذات‌پنداری کند. در همان سال‌های برهیا‌هو کارگردانیی چون ابراهیم حاتمی‌کیا و رسول ملاقلی‌پور وارد عرصه شدند و آثار ماندگار و تأثیرگذاری خلق کردند. تولید فیلم‌های دفاع مقدس پس از پایان جنگ نیز ادامه یافت. البته مسیر آن تغییر کرد و بیشتر بر زندگی بازماندگان جنگ و روایت‌های پس از آن متمرکز شد؛ آثاری چون «آژانس شیشه‌ای»، «از کرخه تا راین» و «بوی پیراهن یوسف» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا از جمله نمونه‌های شاخص این رویکرد بودند. اما با گذشت یک دهه، این جریان کمرنگ شد. سیاست‌گذاران سینمایی معتقد بودند جامعه به فضایی شادتر و متفاوت نیاز دارد بنابراین سینما به سمت موضوعات اجتماعی و کم‌دزد رفت. همین تغییر مسیر یکی از بزرگ‌ترین خلاهای سینمای ایران را رقم زد.

در حالی که بسیاری از کشورها توانسته‌اند تجربه‌های جنگی خود را از طریق سینما برای نسل‌های مختلف روایت کنند، سینمای ایران در این زمینه عقب ماند. به‌عنوان مثال، هالیوود همچنان فیلم‌هایی درباره جنگ جهانی دوم یا جنگ ویتنام تولید می‌کند و از این رهگذر توانسته است آمریکا را به‌عنوان قهرمان آزادی‌خواه معرفی کند. حتی نمایش صدق‌قهرمان در آثاری مرتبط با هیروشیما نیز نتوانسته بار منفی سنگینی در ذهن مخاطب ایجاد کند.

یکی از نقدهای جدی به سینمای دفاع مقدس در ایران، کمبود

فرهنگ و هنر

اخبار

ستاره زیبای سینما در گذشت



کلودیا کاردیناله، بازیگر ایتالیایی متولد تونس و ستاره فیلم‌های پلنگ، هشت و نیم و پلنگ صوتی، در سن ۸۷ سالگی درگذشت. به گزارش خبرنگرانین، او شش دهه در عرصه سینما فعالیت داشت و در دوران طلایی سینمای ایتالیا به شهرت رسید و با کارگردان‌های بزرگی چون فدریکو فلینی و لوکینو ویسکونتی کار کرد.

به گفته نماینده‌اش، لوران ساوری، این بازیگر در شهر نور فرانسه و در کنار فرزندانش چشم از جهان فروبست. ساوری به خبرگزاری فرانسه گفت: «او میراثی از یک زن آزاد و الهام‌بخش را هم به‌عنوان یک زن و هم به‌عنوان یک هنرمند برای ما به جا گذاشت.»

کاردیناله در آوریل ۱۹۳۸ در تونس و در خانواده‌ای سیسیلی به دنیا آمد. او در ۱۶ سالگی برنده یک مسابقه زیبایی شد که در آن به‌عنوان «زیباترین زن ایتالیایی در تونس» معرفی شد.

جایزه او سفر به جشنواره فیلم ونیز بود، جایی که کارگردانان و تهیه‌کنندگان به او پیشنهاد ورود به دنیای فیلم‌سازی دادند. او بعدها گفت در آن زمان تمایلی به رها کردن آرزویش برای معلم شدن نداشت، اما به‌عنوان پدر در تصمیم گرفت «سینما را هم امتحان کند».

سال‌های آغازین کارش با چالش همراه بود. او در حالی که به‌عنوان نوجوان در نقش‌های کوچک ظاهر می‌شد، مورد تجاوز قرار گرفت. وقتی فهمید با‌درا است، یکی از مربیان‌ش او را متقاعد کرد که در لندن به‌طور مخفیانه زالمیان کند. چندین سال، پسرش پاتریک را به دیگران به‌عنوان برادر کوچک‌ترش معرفی می‌کرد.

از آنجا که او با زبان‌های فرانسوی، عربی و گویش سیسیلی والدینش بزرگ شده بود، لهجه‌اش در ایتالیا غیرقابل قبول تلقی می‌شد و صدایش توسط بازیگران دیگر دوبله می‌شد. او در سال ۱۹۶۳ با حضور در فیلم اسکاربرده «هشت و نیم» فلینی و درام تاریخی «یوزرلینگ» ساخته ویسکونتی، به شهرت جهانی رسید.

کاردیناله گفته بود: «ویسکونتی می‌خواست من مو قهوه‌ای بلند داشته باشم، فلینی می‌خواست بلند باشم.»

او در دهه ۱۹۶۰ در هالیوود نیز فعالیت کرد و در فیلم‌های «پلنگ صوتی: ساخته بلیک ادواردز و «روزی روزگاری در غرب» ساخته سرجیو لئونه بازی کرد و با بازیگرانی چون هنری فوندا و چارلز برانسون همبازی شد. منتقدان او را «تجسم زرق‌وبرق اروپای پس از جنگ» توصیف کردند.

کاردیناله در سال‌های بعد درباره دوران کاری‌اش یادآوری کرده بود: «بهترین تعریفی که گرفتم از دیوید نیون در زمان فیلم‌برداری پلنگ صوتی بود. او گفت: "کلودیا، تو همراه با اسباگتی، بزرگ‌ترین اختراع ایتالیا هستی." او پس از جدایی از تهیه‌کننده فیلم، فرانکو کریستالدی، در اوایل دهه ۷۰، وارد رابطه‌ای طولانی‌مدت با کارگردان ناپلی، پاسکواله اسکوپیتیری شد که حاصل آن دختری به نام کلودیا بود.

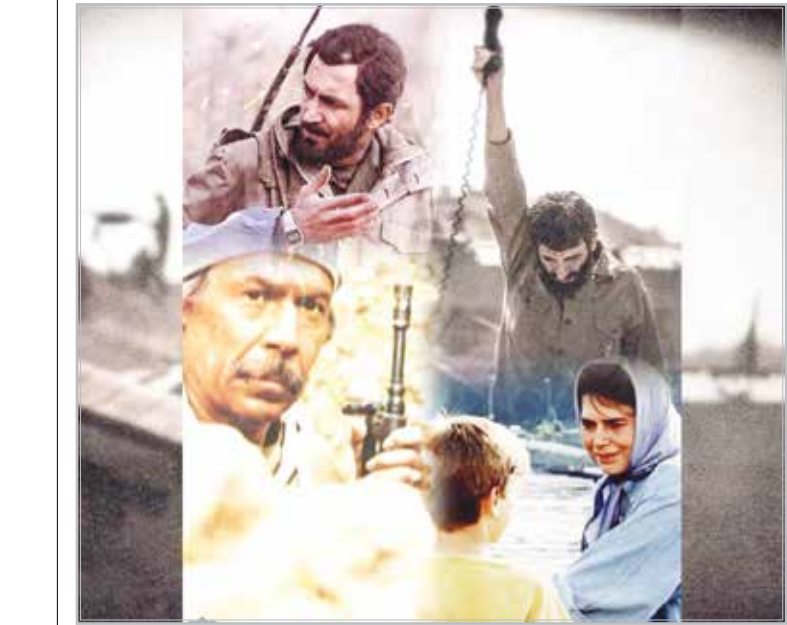
کاردیناله تا دهه ۸۰ سالگی نیز به بازیگری ادامه داد و در سال ۲۰۲۰ در سریال سوئسیسی Bulle ظاهر شد.

در سال ۲۰۰۰، او به پاس تلاش‌هایش در دفاع از حقوق زنان به‌عنوان سفیر حسن‌نیت یونسکو انتخاب شد. در سال ۲۰۰۲ نیز جایزه یک عمر دستاورد هنری در جشنواره فیلم برلین به او اهدا شد.

او گفته بود: «من بیش از ۱۵۰ زندگی داشته‌ام: فاحشه، قدیسه، عاشق‌پیشه، هر نوع زنی را بازی کرده‌ام و این فوق‌العاده است که چنین فرصتی برای تغییر داشته باشی.» آلساندرو جول، وزیر فرهنگ ایتالیا، او را «یکی از بزرگ‌ترین بازیگران زن تاریخ ایتالیا» خواند که «تجسم وقار ایتالیایی» بود.

از «مرز» تا «ایستاده در غبار»

کمبود قهرمان در سینمای دفاع مقدس



قهرمان‌پردازی بود. این کمبود سال‌ها ادامه داشت تا اینکه محمدحسین مهدویان در سال ۱۳۹۵ با ساخت مستند سینمایی «ایستاده در غبار» درباره زندگی احمد متوسلیمان، جریانی تازه را آغاز کرد. این مستند در جشنواره فیلم فجر و اکران عمومی با استقبال گسترده مواجه شد و باب گفت‌وگویی تازه درباره قهرمانان جنگ میان نسل جدید گشود. موفقیت چنین اثری راه را برای ساخت فیلم‌هایی درباره فرماندهان و شخصیت‌های اثرگذار باز کرد.

با این حال، بسیاری از این آثار نتوانستند مخاطب گسترده جذب کنند و همین امر باعث شد سینماداران تمایل چندانی به اکران آن‌ها نداشته باشند. هرچند برخی کارگردانان با حمایت نهادهای دولتی تلاش کردند فیلم‌هایی درباره شخصیت‌های واقعی بسازند. از جمله می‌توان به «غریب» درباره شهید محمد بروجردی، «منصور» درباره شهید ستاری و «موقعیت مهدی» درباره برادران شهید باکری اشاره کرد. با وجود این، همچنان بخشی از این فیلم‌ها در زمان اکران با بی‌میلی سالن‌داران روبه‌رو شدند. اکنون با توجه به تهاجم رژیم صهیونیستی به ایران و جنگ ۱۲ روزه، بار دیگر تب اکران فیلم‌های دفاع مقدس در سینمای کشور داغ شده است. گویی نمایش این آثار به پروتکلی سیاسی در مدیریت فرهنگی کشور تبدیل شده است اما باید دید چنین سیاستی در جامعه امروز چه تأثیری خواهد داشت و آیا نسل Z، که با محصولات پرزرق‌وبرق هالیوود خو گرفته، حاضر است برای تماشای این آثار به سینما برود یا خیر.

